

## معماری و هنر اسلامی

بعد از نازاری‌هایی که در اوایل دوران حکومت ایلخانیان به وقوع پیوست، تمام مناطق بین چین و مدیترانه یک بار دیگر توسط تیمور لنگ فرمانروای (سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۴۰۵ میلادی)، دستخوش آشوب و هرج و مرج شد. تیمور لنگ اصلیتی ترکی-مغولی داشت و پدر او تراغای (Taraghai) که در حدود سال ۱۳۳۰ میلادی تغییر دین داد و مسلمان شد، متعلق به قبیله برلاس (Barlas) بود. او ابتدا به خدمت تغلق تیمور (Tughluq Timur) فرمانروای مغولستان و سپس به خدمت جلال‌الدین در سیستان درآمد. وی همچنین با دختر یکی از رؤسای خاندان چغتای (chagatai) ازدواج کرد و از طریق او خود را جزئی از اعضای خانواده چنگیز خان، به حساب می‌آورد.

تیمور ماورالنهر را فتح کرد و خود را فرمانروای آن کشور با تاج پادشاهی طلایی قلمداد نمود و سپس در سال ۱۳۷۰ پس از آنکه از جانب شورای مغول‌ها به عنوان امیر اعظم برگزیده شد، تصمیم گرفت که امپراطوری چنگیز خان را مجدداً احیا نماید. او سمرقند را به عنوان پایتخت خود برگزید. در آنجا کاخی بنا کرد و سپس ارتش مغولستان را به نحوی بازسازی و سازماندهی کرد تا بتواند به صورت مرتب و منظم در کنار یکدیگر حرکت کنند. ارتش او ترکیبی از نیروهای پیاده و سواره، واگن‌های حمل و نقل، اسب و شتر و همچنین افسراد قبیله بود. او با کمک این سربازان جنگ‌آزموده، حملات نظامی گسترده‌ای را در نهایت خشونت و بی‌رحمی آغاز کرد. وی در طول دوران زمامداری خود سه بار خوارزم، دو بار نواحی شرقی ایران و سه بار هم نواحی غربی

ایران را به تصرف خود درآورد. برخی از تاریخ‌نویسان معتقدند که پیشروی‌ها و سلطه‌جویی‌های ارتش تیمور هیچگونه برنامه‌ریزی و هدف از پیش تعیین شده‌ای نداشت؛ در حالی که تاریخ‌نویسان دیگر بر این عقیده‌اند که انگیزه او برای انجام این‌گونه حملات، احیای مجدد عظمت دوران حکومت چنگیز خان بوده است. روش‌های مورد استفاده او بسیار موثر واقع می‌شد و در واقع شباهت زیادی به روش‌های خود چنگیز خان داشت. تیمور در مواردی که شهرهایی در برابر او استقامت می‌کردند، آن شهر را تبدیل به ویرانه‌ای می‌کرد و اهالی آن شهر را قتل عام می‌نمود. مثلاً هنگامی که او شهر هرات در

خراسان را به تصرف خود درآورد، آن شهر را ویران کرد و اهالی آن را به عنوان برده به فروش رساند، سپس پسر خود را که به نازگی به سن پانزده سالگی رسیده بود، به عنوان فرماندار آن شهر برگزید. او سپس به حملات خود ادامه داد و به ترتیب، شهرهای فندهار، ری، سلطانیه و تبریز را به تصرف خود درآورد. وی قصد داشت تصرفات خود را به سمت و سوی مرکز ایران ادامه دهد که در آنجا پس از سقوط فرمانروایی مغول‌ها، خاندان آل مظفر در شهرهای اصفهان و شیراز حکومت می‌کردند. بنا بر برخی نوشته‌های تاریخی، او یک شورش و انقلاب عمومی در شهر اصفهان را به قیمت جان ۷۰۰۰۰ نفر از اهالی آن سرکوب کرد و انبوهی از کشته شدگان را در آن شهر به جا گذاشت و سپس بر طبق روش همیشگی خود، تعداد بیشماری از معماران، هنرمندان، استادان دانشگاه‌ها، نقاشان و صنعتگران شهر را به همراه خود برد.

تیمور در سال میلادی ۱۳۸۰ جنگی تمام‌عیار را با اردوی زرین (Golden Horde)، (یک منطقه خانی‌نشین)، آغاز کرد و سپس نواحی قفقاز جنوبی، کریمه و کیپچک (شمال دریای خزر) (kipchak) و Transcaucasus و Crimea را در بین سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ میلادی به ویرانی کشید. او سپس به سوی هندوستان لشکر کشی کرد، سلطان شهر دهلی را سرنگون کرد و طی سه روز به غارت آن شهر پرداخت. در این شهر نیز نیروهای نظامی تیمور، انبوهی از مردم را کشتند و بدن‌های آنان را طعمه خفاش‌ها کردند. در این جنگ، غارت و چپاول، تا حدی بی‌سابقه بود که گفته می‌شود هر سرباز ارتش تیمور، بیست نفر از اهالی

شهر را به عنوان برده به اسارت گرفتند و با خود بردند.

این تاراج و چپاول، پایتخت کشور هندوستان را در حالی ضعیف و افسرده بر جای گذاشت. تیمور با جمعی از استادان دانشگاه و هزاران هنرمند از کشور هندوستان به سمرقند بازگشت. در این ایام خضرخان به عنوان فرماندار مولتان (Multan) برگزیده شد و مسئولیت اداره شهر لاهور را بر عهده گرفت. به این ترتیب، امپراطوری پادشاهان شهر دهلی از هم پاشیده شد و هرج و مرج در همه جا حکم فرما شد؛ زیرا در این هنگام، قدرت در بین شهرها و استان‌های مختلف هند تقسیم شده بود. گرسنگی

و طاعون سراسر هندوستان را فرا گرفت و این کشور در سراسریبیبی سقوط گرفتار شد که تا حدود نیم قرن نتوانست از آن رهایی یابد.

نیروهای تیمور در غرب، شهرهای حلب، دمشق و بغداد را مورد هجوم خود قرار دادند و معدوم کردند. پس از آن، تیمور تصمیم گرفت که به کشور عثمانی حمله کند. وی در سال ۱۴۰۲ میلادی بایزید اول را در نزدیکی شهر آنکارا مغلوب خود کرد. بایزید اول، پس از مدتی در زندان از دنیا رفت. تیمور در سال ۱۴۰۴ میلادی ارتشی با ۲۰۰۰۰۰ جنگجو برای حمله به کشور چین مهیا کرد؛ ولی پس از عبور از سیردریا (Syr Darya) دچار بیماری شد و پس از مدتی در گذشت. جسد وی نیز به شهر سمرقند بازگردانده شد تا در آنجا دفن شود.

پس از مجادلات بسیار درباره جانشینی تیمور، سرانجام پسر چهارم او به نام شاهرخ وارث تاج و تخت پدر گردید. وی که در سال ۱۳۷۷ میلادی متولد شده بود تا سال ۱۴۴۷ میلادی به حکومت خود ادامه داد و در سال ۱۴۰۹ سلسله تیموریان را پایه گذاری کرد. در هنگام مرگ تیمور، امپراطوری وی بسیار پهناور و گسترده شده بود و او از آناتولی تا هند و از دریای خزر تا خلیج فارس، هر گونه مخالفت و یا رقابت با رژیم خود را از میان برداشته بود. این بلای آسمانی، تیمور، که باعث رعب و وحشت در سراسر آسیا و غرب بود، در نوشته های تاریخی به عنوان چهره های منفور معرفی شده و از قدرت او به عنوان قدرتی مخرب، نام برده شده است. با وجود این، او یک چهره مثبت نیز از خود به جا گذاشت؛ زیرا با همت او ماورالنهر دورانی از شکوفایی فرهنگ و هنر را پشت سر گذاشت و می توان در مقایسه با دوران رنسانس در ایتالیا سال های ۱۴۰۵ تا ۱۵۰۱ میلادی را دوران کوتاه و سستو (Quattrocento) تیموریان نامید که در آن روحیه اشرافیگری باعث

گسترش هنر به سبک ایرانی در سراسر خاور میانه و آسیای مرکزی گردید. دوره رنسانس تیموریان باعث شکوفایی هنر معماری شد، زیرا ساختمان های جدید با طرح های اشرافی و مدرن در سطح شهرها بنا گردید. تیمور این قبیل عملیات را در شهر «شهر سبزه» (که به نام kech هم شناخته شده است)، پایتخت قبیله بارلاس و در نزدیکی دهکده زادگاه خود، آغاز کرد و در آنجا از سال ۱۳۷۹ به بعد، بنای عظیمی ایجاد کرد که دارای اقامتگاهی به نام آق سرا (کاخ سفید) بود. البته او هیچگاه در این محل اقامت نکرد، زیرا او از ابتدا فردی صحرا نشین بود و مایل نبود در جایی مستقر شود، به همین سبب، ترجیح می داد درون چادر در یکی از باغ های اطراف ساختمان هایش زندگی کند و اموال خود را نیز در اطراف خود نگاه دارد. او در محل ورودی آق سرا در بزرگی بنا کرد که از نظر بزرگی و عظمت، حتی از مسجد جامع شهر تبریز - ساخته ایلیخان - هم فراتر می رفت. دو ستون این ساختمان تا ارتفاع ۲۲/۵ متر بالا رفتند و به سقف قوس دار بالای سازه متصل شده اند. سقف فضای درونی ساختمان هم به ارتفاع ۲۸ متر و ارتفاع بیرونی آن چیزی در حدود ۵۰ متر است به مراتب فراتر از کاخ ساسانیان تیسفون می باشد. (اگر چه کاخ ساسانیان به نوبه خود همواره چالشی بزرگ برای طراحان و سازندگان اسلامی بوده است)

تیمور در پایتخت خود، سمرقند، دست به کارهای بزرگی زد. اول اینکه برای ایجاد امنیت در سال میلادی ۱۳۷۰ میلادی قرارگاهی ساخت که در آن محلی برای اقامت خود و محلی برای اقامت نگهبانان بنا کرد و همچنین در نزدیکی آن، ساختمان های اداری و نظامی تأسیس کرد. او سپس به موضوع تغییر شکل دادن شهر پرداخت و ساختمان های جدید بسیاری در آن بنا کرد.

## ایرانی نمودن ماورالنهر

تیمور در زمینه‌های معماری و شهرسازی، نقاشی و تصاویرسازی برای کتاب‌ها، ستاره‌شناسی و علوم، همواره در اطراف خود چهره‌های سرشناسی را به همراه داشت که از ایران و یا مناطق تحت نفوذ ایران، گرد آورده بود و قسمت اعظم مسئولیت توسعه شهرها را به آنان سپرده بود. او در تأمین هزینه‌های لازم به هیچ عنوان کوتاهی نمی‌کرد و همه امکانات لازم را برای ساخت ساختمان‌های بزرگ در اختیار این افراد قرار می‌داد. وی به آنان اجازه می‌داد که سبک‌های تزئینی و فرهنگی‌ای را که در طول سه قرن گذشته در کشور ایران اسلامی ظهور کرده بود، در سرتاسر امپراطوری عظیم خود ترویج کنند.

از میان معماران، خطاطان و نجارهایی که در بنای ساختمان‌هایی که تا به امروز در شهر سمرقند پابرجا مانده است، دخیل بوده‌اند تا کنون اسامی ۱۰۸ نفر کشف شده که غالب آنها ایرانی تبار بوده‌اند و در بین افرادی از این گروه که اسامی آنها نشانگر اصالت آنهاست (حدوداً نیمی از افراد)، حداقل ۶ نفر از اصفهان، ۶ نفر از شیراز، ۷ نفر از تبریز، ۵ نفر از یزد و افراد دیگری از امل، مشهد، نیشابور، کرمان و غیره دیده می‌شوند که این خود دلیل روشنی بر توسعه سبک‌های ایرانی در ماورالنهر در طول دوران زمامداری تیموریان است.

ماورالنهر (Transoxiana) و یا سرزمینی ساورای آمودریا (Oxus)، منطقه پهنای از زمین‌های خشک و بی‌درخت بوده و حد فاصل میان رودهای سیردریا و آمودریا قرار داشته است. این زمین‌ها نیازمند آبیاری به موقع هستند تا به دشت‌هایی حاصلخیز تبدیل شوند. در سال‌های دور، مخصوصاً در دوران حکومت ساسانیان، در این منطقه طرح‌های عظیم آبیاری ابداع شد و آب رودخانه‌هایی که از کوهستان‌های هندوکش، پامیر و تیان‌شان به سمت دریای آرال در جریان بود، برای آبیاری این اراضی استفاده می‌شد. در نتیجه، کشاورزان محلی توانستند در این زمین‌ها گندم تولید کنند و نهایتاً تمدن‌هایی شکوفا را در این منطقه پایه‌گذاری کنند. پس از ظهور اسلام، ابتدا غزنویان و پس از آنها پادشاهان خوارزمی ماورالنهر را به مرکز امپراطوری‌های بزرگ تبدیل کردند.

معاملات تجاری رو به رشد، میان چین و اروپا در دوران حکومت مغول‌ها به جاده ابریشم حیات تازه‌ای بخشید (این شاهراه تجاری قبلاً هم در دوران حکومت رومی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت) بعدها تیمور تصمیم گرفت که پایتخت خود را در کنار همین شاهراه تجاری بین‌المللی، بنا کند و در اواخر قرن چهاردهم توانست سمرقند را به نقطه مرکزی و کلیدی جهان تبدیل کند. شکوه و عظمت این شهر را می‌توان در مجموعه‌ای از مسجدها، مقبره‌ها، مدارس علمی، خانقاه‌ها، کاروانسراها و رصدخانه‌های خارق‌العاده‌ای که تا به امروز پابرجا مانده‌اند، مشاهده کرد.

سبک معماری به کار برده شده در سمرقند به سرعت، در سرتاسر قلمرو امپراطوری تیموریان تا بخارا، شهر سمیز، بلخ، هرات، مرو، مشهد، نیشابور، اصفهان، کاشان، کرمان، نطنز، یزد و شهرهای کوچکتر، ادامه یافت. این گسترش فنون معماری که در بین سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۵۱۰ میلادی صورت

در اینجا تصرف شهر هرات توسط نیروهای تیمور به نمایش گذاشته شده است. در این تصویر مینیاتوری ایرانی که متعلق به قرن پانزدهم میلادی است و در کتابخانه بریتانیا در شهر لندن نگهداری می‌شود، خشونت موجود در این مناقشات کاملاً مشهود است.

شکوه و عظمت دربار تیموریان در این نقاشی مینیاتوری هراتی که متعلق به قرن پانزدهم است، نشان داده می‌شود. تیمور در سال ۱۳۷۰ میلادی در شهر بلخ در شمال افغانستان به تاج و تخت پادشاهی نشست و خود را امیر ماورالنهر و جانشین جنگیزخان اعلام کرد.

گرفت، شاهکارهای معماری و ساختمانی بسیاری را به دنبال داشت و می‌توان به نقل از یک متن معروف دوران قرون وسطی چنین گفت که: «مجموعه‌ای از مساجد و حوزه‌های علمیه این سرزمین را پوشش می‌دهند، همان‌گونه که لباس روحانی یک فرد مذهبی، بدن او را پوشش می‌دهد.» هنر معماری با تزئینات متنوع و رنگارنگ سرامیکی، تنها هنر درخشان موجود در دنیای تیموریان نبود؛ بلکه هنرهای دیگری از قبیل شعر و شاعری و هنرهای مربوط به چاپ و نشر کتاب (از قبیل نقاشی‌های مینیاتوری و هنر خطاطی) و همچنین رشته‌های علوم و تاریخ نیز هر کدام نقش به‌سزایی در این ایام داشتند. نقاشی‌های موجود در کتاب شب‌نما که در شیراز و هرات کشیده شده‌اند، از نظر زیبایی و مهارت به کاربرده شده در آنها، حتی در مقایسه با نقاشی‌های دوران حکومت صفویان هم بی‌همتا می‌باشد.

## ساخت و سازه‌های دوران تیموریان

در سرتاسر اراضی ماورالنهر، ایران (از جمله در خراسان) و افغانستان در حدود ۲۵۰ ساختمان؛ بعضی به صورت بازسازی شده و بعضی دیگر به صورت بخش‌هایی از ساختمان اولیه باقی مانده‌اند. البته لازم است که به این رقم اسامی تمام ساختمان‌های مفقود الاثری را اضافه نمود که تنها از طریق نوشته‌ها، آرشئوها و روایات تاریخی برای ما شناخته شده‌اند. در بسیاری از موارد، این قبیل ساختمان‌ها گوشه‌ای از نقشه جامع یک شهر را تشکیل می‌دهند که در این صورت می‌توان مسجد، حوزه علمیه، کتابخانه، باغ، کاروان‌سرا و حتی یک مقبره و معبد وابسته به آن را به صورت جمعی و یکپارچه، در یک مجتمع معماری قرار داد.

دوران زمامداری تیموریان سبک‌های متنوعی از برنامه‌ریزی و توسعه شهری را به ارمغان آورد. مثلاً در مورد سمرقند، تیمور دهکده‌ای را به یک کلان شهر تبدیل کرد. وی دستور ساخت خیابانی را صادر کرد که از یک سوی شهر به سوی دیگر آن کشیده شد و انبوهی از مغازه‌ها را در خود جا داده بود. این خیابان مسقف بوده و برای عابرین در تابستان گرم، ایجاد سایه می‌کرد و در فصل زمستان هم آنها را از وزش بادهای سرد مصون می‌داشت. هر یک از بازاریان، در این خیابان، مغازه‌ای رو به خیابان و انباری در پشت آن داشت. در این بازار هر گونه محصولی از سرزمین‌های متعلق به امپراطوری و با سایر مناطق دور دست جهان یافته می‌شد. شهر تازه‌ساز تیمور در جنوب مقر فرمانروایی و کاخ او قرار داشت که در بین این دو محل گورستان شاه زنده واقع شده بود. خیابان تجاری شهر (خیابان بازار) هم از همین محل آغاز می‌شد و از کنار مسجد عظیم بی‌بی‌خانم (نام همسر تیمور) عبور می‌کرد و به سوی مجتمع ریگستان (Registan) ادامه می‌یافت. این خیابان در انتها به مجتمع گور امیر (یا مقبره تیمور) منتهی می‌شد که یک عبادتگاه، یک حوزه علمیه و یک خانقاه را در بر می‌گرفت. در امتداد مسیر این خیابان و در فواصل مشخص، فواره‌هایی وجود داشت که به سیستم آبرسانی شهر متصل بود و از آن آب لازم را دریافت می‌کردند.

مناطق مسکونی شهر شامل مجموعه‌ای از ساختمان‌های آجری کم ارتفاع با سقف مسطح بود که هر کدام از آنها حیاطی با درختان سایه افکن داشتند. این شهر همچنان باغچه‌های عمومی بزرگ و آبیاری شده‌ای داشت که مردم می‌توانستند در آنها قدم بزنند و استراحت کنند. از راه دور چنین بنظر می‌رسید که این شهر (سمرقند) با درختان و گیاهان سبز رنگ کاملاً پوشانده شده است.

آقای ری گونزالس د کلاویج (Ruy Gonzalez de clavijo) اسناد و اطلاعاتی جالبی را مربوط به زمانی که او سفیر دربار اسپانیا نزد تیمور بوده، از خود به جا گذاشته است. بر طبق این اطلاعات پایتخت تیموریان در آن زمان جمعیتی حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر در دورن محدوده خود و بیش از آن در خارج از مرزهای خود داشته است. درآمد این افراد هم از طریق یک اقتصاد شکوفا و نیاز آن به کارگران متبحر، تامین می‌شد. شهر سمرقند در پرجمعیت‌ترین حالت خود، احتمالاً جمعیتی در حدود ۳۵۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ نفر داشته است که رقمی چشمگیر به شمار می‌رفته، زیرا می‌دانیم که جمعیت شهر پاریس؛ یعنی بزرگترین شهر اروپا بعد از قسطنطنیه، تنها حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر بوده است.

بخشی از موفقیت اقتصادی این شهر را می‌توان مدیون غارت و چپاول شهرهای دیگر توسط تیمور و باجی که آنها به تیمور پرداخت می‌کردند، دانست.

اما عوامل دیگری هم در این موفقیت اقتصادی نقش داشتند که از جمله آنها می‌توان گسترش عظیم اراضی زیر کشت را نام برد که با ساخت کانال‌های آبیاری جدید در ماورالنهر میسر گردید. عامل دیگر، درآمد حاصله از مالیات بر تجارت و معاملات و همچنین حمل و نقل اجناسی از قبیل ابریشم و ادویه‌جات بوده است و سرانجام، طرح‌های ساختمانی ارائه شده توسط تیمور نیز در این زمینه بسیار موثر واقع شده‌اند. ارائه این خدمات و فعالیت‌ها، مستلزم بودجه‌های کلان بوده که از طریق کشورهای تابعه امپراطوری تامین می‌شد و این بودجه کلان به همراه ورود تعداد بیشماری از کارگران خارجی منجر به یک رشد اقتصادی قابل توجه و همچنین افزایش جمعیت در این شهر گردید.

در بخش جنوبی شهر قدیمی سمرقند گورستانی در قرن یازدهم ساخته شده بود. این گورستان در همان محلی قرار داشت که قبلاً محل دفن یکی از اولین تبلیغ‌کنندگان دین اسلام و از نزدیکان پیامبر اسلام، به نام ابن عباس بود که در سال ۶۷۷ میلادی و هنگام تصرف شهر سمرقند کشته شده بود.

البته برطبق روایات و باورها او هرگز نمرده و در زیر شهر زندگی می‌کند و به همین دلیل لقب «شاه زنده» را به خود گرفته است. از اواسط قرن چهاردهم به بعد برای مدتی -در حدود یک قرن- این گورستان به سبک خاصی گسترش یافت. بدین صورت که تعدادی آرامگاه و مساجد مربوط به مراسم ترحیم

و بناهای یادبود، در امتداد مسیری که به این زیارتگاه منتهی می‌گردید، ساخته شدند. دیوار این ساختمان‌ها، چه دیوارهای درونی و چه بیرونی، با سرامیک‌هایی رنگارنگ که با آخرین فنون شناخته شده آن زمان ساخته

شده بودند، پوشش داده شده بود. بنابراین، این گورستان به آزمایشگاهی برای آزمایش رنگ‌های مختلف تبدیل شد و حتی امروزه با وجود مخروبه بودن، خود یکی از زیباترین سایدها را از رنگ‌های آبی و فیروزه‌ای، به نمایش می‌گذارد، به طوری که موزائیک‌ها و کاشی‌های آن مثل روزهای نخست درخشش خود را حفظ نموده است. پیشرفت‌های حاصله در زمینه هنر معماری در هنر سفالگری نیز با ظهور سرامیک‌هایی از شهرهای سونگ (Sung) و سینگ (Ming)، در کشور چین مشهور بود.

این ساختمان‌ها بر طبق رسوم رایج در گورستان‌ها، چندان بزرگ نیستند. در امتداد مسیر پُر پیچ و خم جاده این گورستان، در حدود ۳۰ ساختمان کوچک گنبددار از جمله دو مسجد وجود دارد که مخصوص برگزاری مراسم خاص می‌باشد. اهمیت ویژه مقبره «شاه زنده» به سبب استفاده از سرامیک‌های رنگارنگ روی دیوارهای درونی و بیرونی آن است که از طریق آن، سبک جدید و منحصر بفردی از معماری بر اساس فنون و اطلاعات به دست آمده از نقاط مختلف ایران، ارائه شده است.

روبروی این گورستان یک بازار بزرگ و در کنار آن مسجد جامع تیموریان که به نام مسجد بی‌بی‌خانم شناخته شده، ساخته شده است. در این مسجد می‌توان نمونه کاملی از سبک‌های جدید معماری را که توسط تیمور و پس از بازگشت او از کشور هندوستان، ارائه شده بود، مشاهده نمود.

تیمور که پس از پیروزی بر سلاطین دهلی در سال ۱۳۹۸ میلادی سرشار از شادی و غرور بود، تصمیم گرفت در سمرقند مسجدی بنا کند که شایسته

عظمت و قدرت او باشد، نتیجه این تصمیم، بنای ساختار عظیمی در حدود اندازه‌های ساختار ورودی آبی سرای (Ak saray) در شهر سبز بود. درست همان‌طور که چنگیزخان از ساختن ساختمان‌های بزرگ لذت می‌برد، تیمور هم می‌خواست «مسجد جامع» بزرگ خود را به اندازه‌ای بسازد که بتواند اکثر اهالی پایتخت را در خود جای دهد.

«مسجد بی‌بی خانم» دیوارهای بلندی دارد و سطح چهار گوش زیرینای آن به  $167 \times 109$  متر می‌رسد و بر طبق سنت‌های ایرانی دارای یک حیاط  $75 \times 65$  متری با چهار ایوان است که هر یک از آنها در وسط یک نمای ساختمان قرار گرفته‌اند. در وسط حیاط یک پایه سنگی قرار دارد که این پایه سنگی به منظور قرار دادن یک جلد بسیار بزرگ از کتاب قرآن بر روی آن، ساخته شده است. (این جلد کتاب قرآن مجید شاید بزرگترین کتابی باشد که تاکنون ساخته شده است که این خود شیوه‌ای مناسب برای بزرگداشت پیامبر اسلام می‌باشد).

در هر یک از چهار گوشه دیوار بیرونی این ساختمان، در ابتدا مناره‌ای بلند و استوانه‌ای شکل قرار دارد و چهار مناره حتی بلندتر نیز به صورت دو زوج در دو سوی یک پیشطاق قرار گرفته که اینها چهارچوب ایوان اصلی را تشکیل می‌دادند و به اطاقی که محراب در آن واقع شده، منتهی می‌گردند. گنبد این اطاق حاوی محرابی است که بازسازی شده؛ ولی محیط درونی آن هنوز هم به صورت مخروبه باقی مانده است.

چهار ایوان ساختمان بر اساس کاربرد خود، دارای اندازه‌های متفاوتی هستند. مثلاً ایوان مدخل اصلی پهنایی مشابه ایوان‌های دو طرف حیاط دارد، اما مرتفع‌تر از آنهاست.

هر یک از دو ایوان جانبی به اطاقی منتهی می‌گردند که سقفی گنبدی به شعاع ۹ متر دارند و تقریباً شبیه به گنبد اصلی هستند. گنبد اصلی که تا حدی توسط ایوان بزرگ پنهان شده، در طول تاریخ صدمات زیادی

را متحمل شده است؛ مثلاً در سال ۱۴۰۴ میلادی و در فاصله کوتاهی پس از ساخت برای بار اول فرو ریخت و سپس دوباره در سال ۱۸۹۷ میلادی، یعنی زمانی که زلزله شهر سمرقند را در هم کوبید، برای بار دوم فرو ریخت. این گنبد بعد از سال ۱۹۷۵ توسط مهندسين معماری و باستان شناسان روسی و بر اساس مطالعات صورت گرفته بر روی قطعات بازممانده از آن، بازسازی شد.

هم اکنون این گنبد بزرگ که در حدود ۴۰ متر ارتفاع دارد با لایه‌ای بی‌نظیر از سرامیک‌های آبی و سبز پوشانده شده که سطحی کروی و درخشان در برابر نور خورشید ایجاد نموده که تضادی زیبا با دو گنبد کوتاه‌تر که در دو طرف قرار دارند، ایجاد می‌کند. دو گنبد کوتاه‌تر هر یک  $36$  قطعه لوله‌ای شکل کلفت دارند که با کاشی‌هایی به رنگ آبی، سفید و نارنجی تزئین شده‌اند.

محوط حیاط در ابتدا با نگارخانه‌هایی در سه طبقه احاطه شده بوده و روی سقف طبقه سوم آنها در حدود ۴۰۰ گنبد کوچک آجری ساخته شده بوده است. اگر چه قسمت اعظم ساختمان این مسجد از آجر ساخته شده بوده، ولی تعداد زیادی پایه و ستون‌های سنگی نیز در آن وجود داشته است.

(به گفته برخی تاریخ نویسان، تعداد آنها در حدود ۴۰۰ تا ۴۸۰ قطعه بوده، اما اگر نقشه بازسازی مسجد درست باشد، تعداد آنها تنها ۳۱۲ عدد خواهد بود). این ستون‌ها از جنس سنگ مرمر بوده که در ماورالنهر بسیار کمیاب بوده است. (این سنگ‌ها توسط ۹۵ قیل هندی که برای حمل اجناس سنگین آموزش دیده بودند، به این محل آورده شد). همانند

سایر مناطق و سرزمین‌های با خاک ماسه‌ای، در این منطقه نیز در میان اهالی محل، تعداد افرادی که به کار با سنگ آشنایی داشتند (به جای کار با آجر سنتی)، بسیار محدود بود و بنابراین تعداد ۲۰۰ کارگر سنگ کار از آذربایجان به این محل آورده شدند.

در ورودی اصلی مسجد، سقفی قوس‌دار به ارتفاع ۳۵ متر داشته است. در این جا هم تیموریان سعی داشته‌اند، با ایران مربوط به دوره ساسانیان در

تیسفون، رقابت کنند. متأسفانه اقدامات بازسازی این مسجد با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اعلام استقلال دولت آذربایجان متوقف شده و این مسجد در حال حاضر با انبوهی از داریست‌های فلزی پُر شده که روز به روز بر زنگ زدگی آنها افزوده می‌شود.

تیمور از صرف هیچ هزینه‌ای برای زیباسازی و شکوه بخشیدن به مسجد بزرگ خود کوتاهی نکرد. این مسجد بر خلاف مسجدهای ساخته شده در ایران که به صورت فشرده در کلان‌شهرها ساخته شده‌اند، در محیطی باز ساخته شده و گنبدهایی اسنشتانی دارد. بعضی از گنبدها سطحی صاف و بعضی دیگر سطحی دنداندار و شماردار دارند و همگی بر روی پایه‌هایی استوانه‌ای به شکل طبق قرار گرفته و سر به آسمان کشیده‌اند. طرح این مسجد نیازمند ساخت گنبدی دولایه بود، زیرا اگر قرار بود که گنبد به اندازه‌ای مرتفع باشد تا نمای بیرونی آن چشمگیر و جذاب باشد، در آن صورت، فضای درونی ایجاد شده در زیر گنبد، فضایی بیش از اندازه بزرگ و نامتعارف می‌بود. بنابراین مهندسين معماری تیموری در فضای درونی مسجد، سقف دومی کوتاهتر ساختند و بدین ترتیب یک فضای خالی بین دو سقف به جا گذاشتند که فایده خاصی جز ایجاد فضایی در اندازه‌های مناسب‌تر برای حاضرین نداشت.

به نظر می‌رسد که گنبدهای دولایه از اختراعات دوران تیموریان باشد. نمونه‌های قدیمی‌تر از «مسجد بی بی خانم» را می‌توان در گورستان «شاه زنده»، در مقبره «شیرین بیگ آقا» متعلق به اواخر قرن چهاردهم، مقبره «تومان آقا» متعلق به سال ۱۳۸۵ میلادی و همچنین در شهر ترکستان، یعنی محلی که در آن در سال ۱۳۹۵ یا ۱۳۹۷ میلادی به دستور تیمور زیارتگاه «احمد یاسوی» ساخته شد، مشاهده نمود.

همان‌طور که چهارچوب طاق قوس‌دار ایوان به زیبایی‌های فضای درونی آن می‌افزاید، به همان صورت، نمای این گنبدها نیز بر زیبایی‌های ساختمانی که بر روی آن قرار گرفته‌اند، می‌افزاید و استعداد و توانایی‌های سازندگان آن را به نمایش می‌گذارد. ﷻ

### مسجد بی بی خاتم در سمرقند

عکس بالا: بد بزرگ بالای سالن عبادتگاه به شکلی زیبا ترین شده است. بدین معنی که کلاهک فیروزه‌ای رنگ آن بر روی مجموعه‌ای از مقرنس‌ها قرار گرفته که هر کدام با کاشی‌های مرین و نوارهایی با تزئینات مخدئه و نوشته‌هایی بر روی سطوح مورب، آراسته شده‌اند.

عکس بالا صفحه رویرو: نمایی است از دیوار ایوان بزرگ در اینجا هم سرمایه‌های رنگارنگ، دارای طرح‌ها و بافت‌های متنوع می‌باشند.

عکس پایین: صفحه رویرو، تصویری از سطح یکی از دو گنبد فرعی. هر یک از شیارهای گنبد بر روی مجموعه‌ای از مقرنس‌ها قرار گرفته و با سایه‌های مختلف آبی‌رنگی که در کنار رنگ‌های سמיד و قرمز آجری جلوه بیشتری به خود گرفته‌اند، مرین شده است. بازسازی دقیقی این گنبد، ظاهر درخشان اولیه‌اش را به آن بازگردانده است.